

از جمله بحث‌برانگیزترین مسائل در دوران معاصر ایران که بخشی از تأملات اندیشمندان حقوقی را به خود اختصاص داده، نقش فقه و احکام شریعت در سامان اجتماعی و نقش عرف در تغییر آن‌ها است. مسائلی که اندیشمندان منتسب به جریان روشنفکری در پاسخ به آن شریعت را ناتوان از ارائه برنامه‌ای برای ساماندهی روابط اجتماعی در حکومت تلقی می‌کنند. در این راستا راهبرد حقوقی با دکتر حمید بالایی، دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

راهبرد حقوقی: تفاوت دیدگاه درباره جایگاه احکام شرعی در تنظیم روابط اجتماعی از کجا ناشی می‌شود؟

با سلام خدمت شما و تشکر از اینکه این فرصت فراهم شد تا کمی در باب برخی از موضوعات پایه‌ای که می‌تواند به عنوان زیربنای مباحث نظام‌سازی مبتنی بر فقه اسلامی باشد گفت‌وگو کنیم.

۱. برای پاسخ به این سؤال ضروری است ابتدا به این نکته اشاره کنیم که اساساً احکام شرعی در نظام فقهی به منظور سامان دادن کنش‌های انسانی صادر می‌شود و به تعبیری متعلق این احکام، رفتار انسانی است. بنابراین مبتنی بر دسته‌بندی رفتار انسانی که هم جنبه فردی دارد و هم از ساحت فرد نیز گسترش پیدا می‌کند و در ساخت خانواده و جامعه نیز محقق می‌شود، احکام اسلامی نیز هم شامل احکام فردی و هم شامل احکام فراتر از فرد می‌شود و از این ساحت است که سؤال از جایگاه احکام شرعی در تنظیم روابط اجتماعی به وجود می‌آید؛ اما آنچه به نظر حقیر در خصوص احکام اجتماعی اسلام

- به تعبیر دیگر احکام غیر فردی اسلام- مهم است و عدم توجه به این دو مسئله شاید باعث می‌شود کارکرد درستی برای احکام اجتماعی اسلام متصور نباشیم؛ دو موضوع مقاصد الشریعه در مقام مکانیزم پیاده‌سازی احکام و نه استنباط آن‌ها و اصول فقه اجتماعی در مقام استنباط و نه مکانیزم پیاده‌سازی احکام اجتماعی اسلامی است.

۲. بی‌توجهی و شناخت درست از مقاصد الشریعه به خصوص در بعد اجتماعی احکام باعث می‌شود مکانیزم پیاده‌سازی احکام اجتماعی آسیب ببیند؛ چراکه احکام هرچند در مقام استنباط تابعی از مقاصد الشریعه نیستند اما در مقام مکانیزم پیاده‌سازی متأثر از مقاصد الشریعه هستند. به نظر حقیر بسیاری از استادان به خصوص دانشگاهی که متأثر از مبانی اندیشه‌ای سکولار، نگرش‌های انتقادی به جنبه کارکردی اسلام در حوزه اجتماعی دارند اگر بر فهم مقاصد الشریعه اجتماعی در مقام پیاده‌سازی احکام اسلامی و نه استنباط آن‌ها متمرکز شوند، کارآمدی این احکام در پاسخ به نیازهای اجتماعی انسان را درک خواهند کرد. چنین مکانیزم‌هایی که کمتر مورد اندیشه‌ورزی اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است؛ اگر مورد اندیشه‌ورزی قرار گیرد باعث خواهد شد احکام اجتماعی اسلام در مقام پیاده‌سازی به درستی اجرا و کارآمد شوند.

۳. به صورت مشخص پاسخ اول بنده به این سؤال را باید در عدم شناخت درست از مقاصد الشریعه در مقام به کارگیری مکانیزم‌های پیاده‌سازی احکام اسلام و به کارگیری مکانیزم‌های غیراسلامی در پیاده‌سازی احکام اسلامی دانست که باعث تفاوت در برداشت از کارکرد و کارآمدی احکام

اجتماعی اسلام می‌شود.

۴. اما در خصوص پاسخ دوم به این سؤال هم باید به اصول فقه اجتماعی اسلام توجه کرد. چرا برداشت و نگرش‌های متفاوتی در خصوص احکام اجتماعی اسلام وجود دارد؟ به نظرم با عینک روش‌شناختی پاسخ دوم نیز به وضوح عیان است؛ اصل مسئله عدم تولید روش صحیح فهم اجتماعی احکام یا همان اصول فقه اجتماعی اسلامی است. تا زمانی که عینک روش‌شناختی ما مبتنی بر اصول فقه فردی است، امکان اداره امر اجتماعی و تولید مکانیزم‌های پیاده‌سازی احکام اجتماعی اسلام محقق نخواهد شد. بر همین اساس نیز چنین باید اشاره شود که مشکل شریعت اسلامی در اداره امر اجتماع یا برنامه نداشتن برای امر اجتماعی نیست؛ بلکه مشکل روش فهم اجتماعی ما از مبانی و احکام اسلامی است که نیاز به تولید و اصلاح دارد.

راهبرد حقوقی: آیا در عمل فقه و احکام آن در مقابل خواست عمومی و اراده عمومی است؟ در جریان قانون‌گذاری در نظام دینی اراده عمومی چه جایگاهی دارد؟

۱. موضوع قانون‌گذاری و حدود قانون‌گذاری در نظام اسلامی از بحث‌های دامنه‌دار فلسفه حقوق اسلامی است و متأسفانه در سیستم تولید دانش دانشگاهی در حوزه دانش حقوق کمتر به این دست مباحث و بیشتر به مباحث عمل‌گرایانه پرداخته می‌شود. بر همین اساس تئوری‌های لازم نیز که در نظام دانشی حوزوی در خصوص مبانی قانون‌گذاری در اسلام مورد بحث و طرح قرار گرفته است؛ در مجامع دانشگاهی محل بحث و تضارب آرا نیست. همین خلأ بحث دانشی، گاه این شائبه را در فضای دانشگاهی ایجاد می‌نماید که عدم طرح مباحث به معنای نبود یا خلأ تئوریک مبانی اسلامی در خصوص قانون‌گذاری است که در همین ابتدا لازم است چنین توضیح داده شود که دانشجویان و افراد دغدغه‌مند باید برای اطلاع و بهره‌برداری درست از چنین مباحثی حتماً مباحث اساتید حوزوی و نظام دانشی طرح شده در حوزه در این خصوص را نیز مورد بررسی قرار دهند.

۹۹ بی‌توجهی و شناخت درست از مقاصد الشریعه به خصوص

در بعد اجتماعی احکام باعث می‌شود مکانیزم پیاده‌سازی احکام اجتماعی آسیب ببیند؛ چراکه احکام هرچند در مقام استنباط تابعی از مقاصد الشریعه نیستند اما در مقام مکانیزم پیاده‌سازی متأثر از مقاصد الشریعه هستند. ۶۶